حقوق به زبان ساده «ثالث» (جلب جالب مجلوب)

امامی رضوی، کاظم

در شماره چهاردهم«حقوق امروز»در مادهء وارد ثالث و محل و نحوه و شرائط«ورود ثالث»بحث شد و اکنون در خصوص دعوای«جلب شخص ثالث»و مقررات آن گفتگو می‏کنیم.

در مبحث ششم قانون آئین دادرسی مدنی(درباره 274 تا 283)دربارهء درخواست‏ جلب ثالث از ظرف هریک از طرفین دعوی-و مرجع-و مورد تقدیم دادخواست جلب-و نحوه‏ اقدام«جالب»در دادرسی‏های عادی و اختصاری و چگونگی جریان دادرسی در مورد دادخواست‏ جلب و...مقرراتی وجود دارد که لازم است همواره مدنظر هر جالب و مجلوب قرار گیرد. و ما این مقررات را بزبان ساده در اینجا میآوریم:

1-خواهان و خوانده،هرکدام که در دعوی مطروحه فیما بیم خودشان برای اثبات‏ حقانیت خود و یا بخاطر کشف حقیقت و یا بخاطر منفعت مشروع خود،جلب شخص ثالثی را که در آن دعوی دخالتی نداشته است لازم بداند حق دارد که در مرحله نخستین رسیدگی‏ (دادگاه بخش یا شهرستان)از دادگاه بدوی و در مرحله پژوهشی از دادگاه اسننافی،جلب‏ آن شخص ثالث را با تقدیم دادخواست رسمی از دادگاه بخواهد یعنی از دادگاه بخواهد که پای شخص سومی را که طرف دعوی نیست،باین دعوی بکشاند و بدینطریق او را هم وارد دعوی نماید از اصحاب دعوی آن کسی که خواستار جلب ثالث است بنام«جالب»و آن کسی‏ که خوانده دعوی جلب قرار می‏گیرد(یعنی کسی را که در دعوی دخالت نداشته و باینطریق‏ او را بدعوی کشانیده‏اند)بنام«مجلوب»نامیده شده است.

توضیح اینکه«جلب»در این مبحث حقوقی با«دستور جالب»دادستان و بازپرس‏ در امور جزائی که بموجب ورقه جلب انجام می‏پذیرد کاملا فرق دارد.در آنجا،بدستور قاضی تحقیق(بازپرس یا دادیار)شخص را باستناد برگ جلب صادره دستگیر کرده و برخلاف‏ میل خودش به محلیکه احضار شده است میآورند اما در اینجا مجلوب(خوانده)بموجب‏ دادخواست حقوقی جلب میگردد و هیچکس نمیتواند او را دستگیر کند یا لو را به زور بدادگاه‏ بیاورد(خوانده)مختار است که در دادگاه حاضر شود و بدفاع از خود اقدام کند و یا مدافعات‏ خود را بعهده وکیل محلول کند و یا اینکه بوسیله لایحه کتبی،مدافعات خود را بدادگاه‏ ارسال دارد.

2-خواهان و یا خوانده در دادرسیهای عادی(یعنی محاکماتی که بوسیله مکاتبه و باصطلاح قانونی،بوسیله تبادل لوایح طرفین انجام‏می‏پذیرد)باید دادخواست جلب ثالث‏ را تا آخرین موعد تسلیم لایحه بدهند و در دادسریها اختصاری(یعنی محاکماتی که‏ با تعیین جلسه(شفاهی)صورت می‏پذیرد)،باید تا آخرین لحظه جلسه اول محاکمه بدادگاه‏ گفته و در صورت جلسته دادگاه نوشته شده و یا بوسیله یادداشت اظهار گردد و در ظرف سه روز بعد از جلسه،دادخواست جلب ثالث را مطابق دادخواستهای معمولی بدفتر دادگاه تسلیم‏ کند.

3-هریک از طرفین یک دعوای حقوقی که بحکم«غیابی»دادگاه محکوم میشود، چنانکه جلب شخص ثالث را مفید بحال خود تشخیص داد.باید دادخواست«جلب ثالث» را تؤام با دادخواست اعتراض برحکم غیابی،بدفتر دادگاه تسلیم بکند و هم‏چنین معترض‏ علیه حکم غیابی اگر پس از وصول دادخواست اعتراض،جلب شخصی ثالثی را لازم و مفید بداند می‏تواند در فرصتی که برای تهیه و تسلیم جواب بواخواهی معترض دارد،دادخواست‏ جلب ثالث را بدادگاه تقدیم دارد.

4-اقدام به جلب ثالث از طرف اصحاب دعوی،نباید بمنظور تبانی و یا برای طولانی‏ ساختن رسیدگی دادگاه باشد،و اگر باین مقصود باشد در اینصورت دادگاه مکلف است‏ دادخواست جلب ثالث را از دادخواست اصلی جدا کرد هو بهرکدام جداگانه رسیدگی کند و در صورتیکه«جالب»به بی‏حقی محکوم گردد دادگاه او را بتأدیه دو برابر هزینه دادرسی‏ محکوم مینماید.

مثال جالب ثالث

بعد از ذکر مقررات بالا در جصوص جلب شخص ثالث بهتر است با ذکر مثالی قضیه را ساده‏تر بیان کنیم:فرض کنیم نصر الله خانه پلاک 1820 واقع در بخش 3 حسن آباد تهران‏ را که خالی بوده دیده و پسندیده و آنرا با سند رسمی از آقای ناصر(مالک قبلی خانه) خریداری کرده است اما چند روز بعد که برای تصاحب و تصرف خانه که در سند خریداری، اعتراف بتصرف و دریافت کلید آن نموده بود-می‏رود و با کمال تعجب مشاهده می‏کند که قبل از او منصور خانه را تصرف نموده و مدعی است که خانه را از ناصر خریداری کرده و چون‏ اظهار منصور برای(نصر اللّه)قابل قبول نبوده،بر علیه منصور بدادگاه عرضحال خلع ید

(بعنوان غصب)می‏دهد.منصور که با رؤیت دادخواست تقدیمی نصر اله،متوجه تقلب و کلاهبرداری ناصر می‏شود و می‏فهمد که ناصر خانه را با یک معامله معارض و غلط،دوباره(همان خانه‏ را)در مقابل دویست هزار ریال باو فروخته منتقل و تحویل داده است و لذا منصور در ضمن‏ اینکه لایحه جوابیه دادخواست نصر اله می‏فرستد،دادخواست جلب ثالث بنام نصر بدادگاه‏ تقدیم و با توضیح جریان واقعه،درخواست جلب ناصر را بدعوی مطروحه و رسیدگی و صدور حکم به بطلان معارض و محکومیت مجلوب(ناصر)را باستردادیهای ثمن معامله بعلاوه کلیه‏ خسارت وارده تقاضا می‏نماید.